

نقش و رسالت مبارزین ملی گرا

قوای ائتلاف زیر چتر شورای امنیت ملل متحد، ظاهراً جهت برچیدن دام های گسترده ای اس آی یعنی اشغال مخفی پاکستان، درهم شکستن گروه های تروریستی القاعده، از قبل جا سازی شده در مناطق پشتون نشین هردو طرف خط تحمیلی دیورند و سرنگونی رژیم طالبان، در افغانستان اقدام به حمله نظامی نمودند. برای رسیدن به موفقیت های سریع و کمترین تلفات، یک بار دیگر دست دوستی و حمایت به جانب جنگ سالاران مغلوب شده فراری از جانب امریکا دراز گردید. این اشتباه مکرر امریکا در واقع جوابی مثبتی بود به همسایه ها و کشورهای منطقه بشمول هند و روسیه جهت تشکیل یک دولت ائتلافی و نه دولت متعلق به همه مردم افغانستان.

با پیش کشیدن شعار های عوام فریبانه چون آزادی بیان، دیموکراسی و . . . در جامعه قبیله ای و عشیره پی عقب نگهداشته شده افغانستان به شکل مسخ شده آن، منحیت ابزار به جنگ سالاران و ناقضین حقوق بشر تحویل داده شد. تا دیموکراسی وارداتی شان بالوسيله آنها به اصطلاح نهادینه گردد. کار کشته گان مکتب سوز، تخریب کاران مؤسسات دوائر دولتی و چپاول گران سرمایه های ملی، راکت پران های حرفه ای، با داشتن تجارب ویرانگری و معامله گری های سیاسی شان با استفاده از فرصت پیش آورده شده، خواسته های ضد ملی شانرا عملی سازند.

مطابق برنامه های از قبل داده شده، در مطبوعات خصوصی و رسمی به زهر پاشی، افتراق زبانی، قومی، سمتی و تنظیمی مصروف فرقه فرقه نمودن مردم جهت ادامه قدرت نا مشروع خویش متوسل شدند. حال روی سخنم به انگشت شمار هموطنانی است که آگاهانه یا غیر آگاهانه آب در آسیاب دشمن می ریزند، و بنام تحلیل گری سیاسی؟! یا قلم بدست مُزد بگیر! در حمایت به حلقه کوچک وابسته گمراه خویش هر آنچه دل تنگ ایشان لازم میدانند، بدون احساس نیک به وطن و اهمیت قائل شدن به منافع ملی، وحدت ملی، به بهانه آزادی بیان، ضد منافع علیای کشور به عقده گشایی و اظهارات سخیفانه مبادرت می ورزند. مردم افغانستان آرزو دارند تا روابط دوستانه با همسایگان خود مثل سائر کشورهای جهان داشته باشند. اما زمانیکه تهیه فلم های غرض آلود، ویدیوها، طبع کتب فاقد ارزش های علمی، اراجیف و آثار جعلی، برنامه های خاص و اظهارات سبک سرانه در تلویزیون های خصوصی تویضیف شدگان شان، به معرفی خوبترین شیعه و بدترین سنی جهان، در قبال فرزندان این خاک توسط بسیجی های ایران، جهت ایجاد افتراق بین هموطنان ما مطرح میگردد. کجا اند، این رسالت مندان مُزد بگیر!؟ فرهنگیان!؟، تحلیل گران سیاسی و نهاد های مدنی و حقوقی وطن دوست!؟

با کمال وقاحت این چهره های محدود و انگشت شمار، شناختانده شده قرار دادیان به اصطلاح نهاد های مدنی و مراجع تمویل شان با تبلیغات کر کننده یک جانبه، خود را عقل کل دانسته از سنگر باورهای تنگ نظرانه زبانی، قومی و مذهبی، قضایای جهانی را بزعم خویش کار شناسانه؟! مورد غور، بحث و مذاقه سمتی و ستمی چاکرمنشانه قرار میدهند. نه ترس از خدا و اشتباه گفتن و نه از ماخذ مردم و تأریخ دارند.

همچنان در جهت دیگر دستگاه استخباراتی ای اس آی از احساسات مذهبی بین پشتون های دو طرف سرحد تحمیلی و نام نهاد دیورند نیز استفاده ابزاری و سیاسی می نمایند. و با کُشتن روحیه وطن دوستی یا پاتریوتیسم بین طلاب مدارس مذهبی آنطرف سرحد، تلاش پیوسته زیر شعار اسلام بدون مرز جریان داشته و دارد. اینکه دولت پاکستان به اسلام سیاسی باورمند است یا خیر؟ آگاهی اسلامی این رژیم را میتوان از فهم وزیر داخله پاکستان و قرأت نتوانستن (سُورَةُ الْاِخْلَاصِ) قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ (۱) (اللهُ الْاَحْمَدُ) (۲) (لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ) (۳) (وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ) (صدور فتوای جهاد و جایز شمردن عمل انتحاری در کشور ما درک کرد).

بازی های چندگانه شان مانند از بین بردن ملا عبید الله وزیر دفاع رژیم طالبان، عده بیشماری قوماندانان برجسته مجاهدین، همچنان ترور شخصیت های ملی گرای آگاه وطن دوست، زندانی نمودن ملا برادر و سائرمقامات بلند رتبه طالبان در زندان های پاکستان، تحویل دهی طالبان و مجاهدین به قوت های ائتلاف و فرستادن شان به زندان گوانتانامو، با تعقیب سیاست قند و قمچین تلاش هابست در واقع، برای گرم نگهداشتن تنور داغ جهت قضیه کشمیر، رقابت با هندوستان، شکستادن شیرازه وحدت ملی افغانستان، ترس از حقوق و عدالت خواهی بلوچ ها و خیبر پشتونخواه میباشد.

همه فرزندان با خرد افغانستان در حالیکه خواستار داشتن روابط دوستانه متقابل با همسایگان خود می باشند، سخت باورمند به وحدت ملی، منافع ملی، و تمامیت ارضی خود نیز هستند. تصور اشتباه آمیز و خوش باورانه حاکمان کشور مبنی بر امضای پیمان های ستراتیژیک با امریکا و سایر قدرت های نیرومند جهان، که گویا مانع مداخلات همسایگان مُعرض ما خواهند شد، امروز کاملاً واضح و آشکار گردیده تا خود افغانها کفایت و استعداد حفاظت کشور خود را نداشته باشند هیچ کشور دوست نمی خواهند به نسبت ستراتیژیک، وارد میدان جنگ با کشور ثالث شوند.

سیاست دنبال منافع است و نه دوستی! اینکه تاریخ 5 حمل 27 راکت پاکستان باردیگر خاک افغانستان را هدف قرار داد، آقای جان کیری وزیر خارجه امریکا در برابر جواب سؤال ژورنالیست، که گویا در برابر تجاوز همسایگان موقف

دوستان ستراتیژیک چیست؟ گفت: ما در تقویت نهاد های امنیتی کشورتان همکاری مینمائیم. جواب کاملاً واضح، روشن، و دیپلماتیک ارائه گردید. مردم آگاه ما پلان نا درست سیاست های ایجاد ملیشه سازی و اربکی سازی را، نتنها به سودی تقویت نهاد های امنیتی نمیدانند بلکه بنا برداشتن تجارب تلخ گذشته ملیشه های گلیم جم خطرناک به حساب می آورند.

مردم، قدرت تشخیص دارند و در تناقض گویی های عمدی، گمراه نمی شوند. یکی به آن شوری شور از موقف دولت فساد گستر، با چنان قاطعیت دفاع مینماید که گویی این دولت در اثر یک انتخابات کاملاً شفاف، دیموکراتیک عادلانه، و توسط خود مردم به قدرت رسیده، با شایسته ترین افراد وطن دوست جامعه به اساس اهلیت، لیاقت و دانش مسلکی جهت خدمت گذاری بکار گماشته شده اند. صرف یگانه مشکل کوچک باقی مانده، مداخله خارجی هاست و بس! جانب مقابل (خلع شده گان قدرت) که تا دیروز در پست های کابینه، ولایات، مجلسین شورا و . . . بلند دولتی و امتیازات خاص را که در اختیار داشتند و دارند. با چنان بی نمکی، پُر رویی و مهارت گویا درسنگر دفاع از حاکمیت قانون، عدالت اجتماعی، حقوق بشری و سائرازشهای مدنی قرار می گیرند که مگر خود ایشان نه در فساد اداری، غصب جایداد های دولتی و شخصی، قاچاق مواد مخدر، کشیدن اسعار به خارج از کشور و . . . هیچ سهم و نقشی نداشته و ندارند. علوئاً بنابر منافع گروهی و پیوند های ضد منافع ملی از عملکرد های منفی و اشتباه آمیز قوای ائتلاف، درسنگر دفاع ایشان نیز قرار می گیرند.

اینجاست که نخبه گان سیاسی افغانستان از تجارب زمام داران گذشته و بازی قدرت های استعماری قرن 19 بین روسیه و بریتانیا، تا بازی بزرگ جنگ سرد و ادامه آن بازی نو، برسر تقسیم مجدد منابع جهان، چیزی نیاموخته. پیوسته انرژی نیروهای وطن دوست کشور را، سیاسیون گماشته شده بیگانه در تقابل و حذف فزینی و سو استفاده از اقوام ساکن کشور ضایع می نمایند. با توضیح موجز دو ضلع مثلث قدرت در 12 سال گذشته بهترین شانس ها و فرصت ها را در جهت خدمت گذاری مردم، تعالی و ترقی کشور و استفاده مؤثر از کمک های سرشار مالی جهان را بخاطر منافع تنظیمی، سمتی، فردی و اختلافات ساختگی درون نظام، از دست دادند.

حال توجه هموطنان عزیز را به موقف ضلع سوم قدرت که عبارت از نیروی مقاومت طالبان و سایر مخالفان مسلح می باشند، جلب میدارم. وقتی بخشی از مردم افغانستان، مستقیم یا غیرمستقیم از اشغال کشوریاد می نمایند، خود بخود مقاومت مطرح بحث قرار می گیرد. اینکه مقاومت کور است یا جور؟ مقاومت ملی است یا محلی؟ ارتباط به تمثیل و عملکرد نیروی مقاومت می گیرد. در این بیش از یازده سال، تمام مخالفین مسلح از بی کفایتی، مظالم، نبود حاکمیت قانون و دولت، در ساحات مختلف کشور سود بُرده و بر مردم بی دفاع ما حاکمیت نموده اند. بخشی از مردم محلات بنابر نبود دولت به دلایلی عدیده از نیرو های مقاومت و طالب حمایت مینمایند. زورمندان قوای ائتلاف، دولت دست نشاندۀ فساد گستر بیکاره و مخالفین مسلح زورگو، ملت مظلوم را گروگان گرفته اند. پس اجازه دهید این فرزند بی مدعی متعلق به ملت واحد افغانستان به نیابت از مردم اسیر و گروگان گرفته شده با استفاده از حق آزادی بیان، و انجام رسالت ملی خویش بگویم که: هر سه ضلع مدعی قدرت در افغانستان یعنی حکومت ائتلافی آقای کرزی، ائتلاف آقایان جبهه به اصطلاح ملی، مقاومت مسلح و طالبان، زورگو میباشند.

منطقاً این ضلع مثلث نیز، نمی تواند مستقل باشد. زیرا پیش بُرد این جنگ های چریکی و فرسایشی در برابر قوی ترین و مجهز ترین پیمان نظامی (ناتو) و قوای ائتلاف بین المللی در رأس امریکا چگونه عقل سلیم حکم می نماید که این مقاومت بدون حمایت های خارجی ایستادگی کرده و نیرومند ترین قوای جهان را به شگست مواجه سازند؟ . صرف نظر از نیروهای بشری، سوق و اداره، اکمال، تجهیز، تسلیح و نیاز مندی های عقب جبهه اعم از تداوی، دوا، داکتر، شفا خانه، معاشات، وسایط نقلیه، روغنیات و لوژستیک به منابع قوی مالی، تخنیکی و تبلیغاتی مداوم نیازمند میباشند. با وجود عواید از مدرک قاچاق مواد مخدر، اسلحه، عُشر گیری، دستان نیرومند و استخبارات کشورهای همسایه و رقبای مخالف حضور امریکا در منطقه، نیز وجود دارند که این جنگ فرسایشی به قیمت خون شجاع ترین فرزندان جوان این خاک با عاقبت نه اندیشی به پیش بُرده میشود و صد افسوس که از نیرو و توان این جوانان برای اعمار کشور کار گرفته نشده و نمی شود.

اگر "ملتی چیزی را از آزادی بیشتر ترجیح دهد، آن ملت نه تنها آزادی بلکه هر چیز دیگر را نیز از دست میدهد. البته آزادی امروز مفهوم تعریف کلاسیک قرن 19 را ندارد." اینکه تلاش های سیاسی اخیر طالبان، به گشایش دفتر قطر، کنفرانس پاریس، دیدارها با کشورهای اروپایی، امریکا و کشور های اسلامی، منجر گردیده همه نشانه های از نتایج ملموس این ضلع مثلث قدرت در مقابل دوضلع دیگر مثلث قدرت، میباشد. ماهمه مدعیان بازیگر باید این درس را از گذشته آموخته باشند که اگر زمینه اشتراک شان در کنار سایر نیروهای رقیب، بلاثر تلاش های کشورهای ذینفع در قرضیه، جهت ایجاد حکومت مشترک در آینده مساعد گردد. چگونه نیروهای مدعی قدرت میتوانند که اطمینان خاطر به ملت داغدار و تشنه به صلح افغانستان بدهند که! کشورشان یکپارچه باقی میماند! و زیر نام فدرال به تجزیه کشانده نمی شود، تضمین تساوی حقوق مردم در برابر قانون، حقوق پا مال شده مظلومان، مشکل استرداد جایداد های غصب شده مردم، تأمین عدالت اجتماعی، تضمین حق کار و تساوی حقوق تعلیم و تحصیل زنان و مردان در چوکات فرهنگ و سُنن پسندیده ما بشمول ایجاد زمینه های اشتغال و احداث پروژه های عمرانی در یک صلح پایدار و عادلانه قابل قبول به اکثریت مردم افغانستان تأمین میگردد؟

ناگفته پیداست که: یگانه راه حل معقول معضله، مذاکره، تفاهم و سهم شایسته شورای امنیت سازمان ملل متحد و کنفرانس کشورهای اسلامی میباشد. که نخست از همه نیروهای رقیب را به یک آتش بس قابل اعتماد و دوام دار به تفاهم رسانیده، و از قتل، گشتار، تلفات مردم بیگناه جلوگیری نمایند، تا اینکه فضای اعتماد بوجود آید. بلاثر این فضای مساعد بوجود آورده شده، مردم افغانستان در صلح و آرامش از طریق یک انتخابات شفاف، عادلانه، دیموکراتیک و سراسری زعامت آینده خویش را با مشروعیت بزرگ ملی به نمایش بگذارند. تا باشد که زعامت مشروع با حمایت گسترده مردم افغانستان و حمایت جامعه جهانی بوجود آید. پیشنهاد این خیر خواه وطن، به همه نیروهای مدعی قدرت و درگیر این است که: با ترس از خداوند(ج) و ترحم به خود و مردم عذاب کشیده افغانستان شورای متشکل از افراد آگاه سیاسی و نیک نام که در بحران گذشته و کنونی دخیل نبوده باشند، تشکیل و به طرف انتخابات آینده ریاست جمهوری کشور مشترکاً به پیش روند.

مُخ پر وړاندي ديو موتي او پياوړي افغانستان په لوري!

و من الله توفيق

پایان